

مرگ تدریجی

## جنگ اوکراین هشدار برای نظم جهانی

حمله روسیه به اوکراین نشانه‌ای از نظم نوین آینده

جین پینگ<sup>۶</sup>، توان یک دولت کاملاً قدرتمند و آنطور که مارس گذشته اظهار داشت، «اعتماد به نظام خودمان» را ستود. واکنش چندملیتی در تهاجم روسیه به اوکراین، نشان داده که نابودی نظم جهانی مبتنی بر قانون در دوران پساجنگ، مسئله‌ای اجتنابناپذیر است. چند ماه قبل، هیچ‌کس پیشبینی نمی‌کرد که آلمان، دهه‌ها بی‌میلی به امور نظامی را کنار گذاشته و ۱۰۰ میلیارد یورو به بودجه دفاعی خود اختصاص دهد؛ سوئیس دارایی‌های الیگارشی‌های روس را مسدود کند یا اینکه یوتیوب<sup>۷</sup>، جام جهانی فوتبال<sup>۸</sup> و شرکت‌های انرژی جهانی، همگی ارتباط خود با روسیه را قطع کنند.

درواقع، بروز دوباره جنگ در اروپا نیز نشانهای از حوادث آینده است؛ کودکانی که در تونلهای مترو پناه گرفته‌اند و در خطر بودن تأسیسات هسته‌ای، آذریک حمله هوایی هستند، یک هشدار برای نظام جهانگرایی به رهبری آمریکا تا

نیویورک‌تایمز یادداشتی با عنوان «جنگ اوکراین هشدار برای نظم جهانی است»<sup>۱</sup> به قلم دامین کیو<sup>۲</sup> در تاریخ ۴ مارس ۲۰۲۲ منتشر کرد در واقع نویسنده معتقد است واکنش چندملیتی، نشان می‌دهد که لیبرالیسم، هنوز زنده است، اما قدرت روبه‌زوال آمریکا و افزایش استبداد، همچنان چالشهای دشواری ایجاد می‌کنند. اما با حمله روسیه به اوکراین، نابودی نظم جهانی مبتنی بر قانون در دوران پساجنگ، مسئله‌ای اجتنابناپذیر شده است. در واقع بروز این جنگ نشانه‌ای از حوادث آینده یا نظم نوین جدید است.

نظم جهان لیبرال برای مدتی نیازمند کمکهایی حیاتی بود. رئیس‌جمهور بایدن<sup>۳</sup> در سخنرانی روز تحلیف، دموکراسی را «شکننده» خواند. دو سال قبل، رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین<sup>۴</sup>، گفته بود که «نگرش لیبرال، بیشتر از هدفش دوام آورده است»؛ این، در حالی است که رهبر چین، شی

1. The New York Times
2. The War in Ukraine Holds a Warning for the World Order
3. Damien Cave
4. Biden
5. Vladimir V. Putin

6. Xi Jinping
7. YouTube
8. World Cup



درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. در بسیاری از این کشورها از جمله آمریکا، نوعی «دوقطبی شدن مهلک»، روبه افزایش است. برای اوکراین و رهبران آن که به صورت دموکراتیک انتخاب شده‌اند، چشمانداز بقا و نجات مبهم است. تحریم‌ها، سلاح مورد نظر ائتلاف ضد پوتین، سابقهای طولانی از ناتوانی در تغییر رفتار دولت‌ها یا رهبران سرکش دارد. آقای بایدن علیرغم تمامی اظهارات برای دفاع از آزادی، بارها وعده داده است که هیچ سرباز آمریکایی برای حق حیات اوکراین، نخواهد جنگید، حتی باینکه یک میلیون پناهنده از این کشور گریخته‌اند و پوتین،

(ایالات متحده)، همچنان در حال مبارزه با حزب گرایی، کرونا و تجربه شکست در نبردهای دوردست است، بسیاری از رهبران سیاست خارجی، اوکراین را در وضعیتی وخیم می‌بینند، آن‌هم به عنوان نشانی برای پایان رسمی عصر آمریکایی و آغاز دورانی که بیشتر محل مناقشه بوده و چندقطبی است. حداقل برای یک دهه، نظامهای لیبرال دموکراسی، در حال نابودی بوده‌اند. بر اساس گزارش وی دم<sup>۲</sup> (مؤسسه‌های غیردولتی که در مورد دولت‌ها تحقیق می‌کند)، بالاترین میزان کمی این حکومتها، در سال ۲۰۱۲ رقم خورد، آن‌هم با ۴۲ کشور؛ اما امروزه، فقط ۳۴ کشور این‌گونه هستند که آنها نیز تنها ۱۳

با انرژی بیشتری خود را برای جنگ آتی و مبارزه آینده علیه استبداد آماده کند. جیمز استاوریدیس<sup>۱</sup>، دریابد بازنشسته نیروی دریایی آمریکا و فرمانده سابق ناتو در اروپا، میگوید که «نظام جهانی در دهه ۱۹۵۰، بنیان نهاده شد و اگر شما آن را به مثابه یک ماشین مربوط به آن دوران تصور کنید، این ماشین خراب و تقریباً قدیمی بوده و به تنظیم موتور احتیاج دارد؛ اما اگر این ماشین در حال استفاده است و چرخش می‌چرخد، در آن صورت، ولادیمیر پوتین در طول یک هفته بیشتر از آن چیزی که من بتوانم به یاد بیاورم، برای تقویت آن، کار انجام داده است».

تقریباً در کل جهان، از رهبران کشورهای اروپایی گرفته تا آسیا و مقامات کنونی و سابق آمریکایی، اوکراین به عنوان آزمونی برای بقای یک دیدگاه ۷۵ ساله در نظر گرفته می‌شود؛ اینکه لیبرال دموکراسی، قدرت نظامی آمریکا و تجارت آزاد، می‌توانند شرایطی را برای صلح و کامیابی جهانی مهیا نمایند. با توجه به اینکه بنیانگذار این مفهوم

2. V-Dem

1. James Stavridis

گویا قصد اشغال کل کشور را دارد. همچنین، ممکن است اوکراین، اولین از چند آزمون مرتبط با نظم قدیمی جهان باشد. آقای شی رهبر چین، چند ماه قبل در اظهارنظری گفته بود: «اتحاد دوباره» با تایوان، کشوری دموکراتیک که در سایه یک همسایه مستبد قرار دارد، «باید انجام شود».

بایدن در سخنرانی وضعیت کشور<sup>۱</sup> - که روز سه‌شنبه انجام شد - صراحتاً از خطر آینده سخن گفت، «زمانی که دیکتاتورها حاضر نباشند بهای تجاوز خود را بپردازند، آشوب بیشتری ایجاد می‌کنند». او تأکید داشت که جهان آزاد، پوتین را مسئول میدانند. حتی برخی از شکاکان، نشان‌های یک احیای لیبرال را مشاهده می‌کنند. رابین سی کراکر<sup>۲</sup>، سفیر بازنشسته و اسبق آمریکا در عراق و افغانستان، اظهار داشته که بعد از خروج فاجعه‌بار آمریکا از کابل، دولت بایدن ثابت کرده است که این کشور، هنوز هم می‌تواند یک واکنش جهانی محکمی را رهبری و هماهنگ نماید. مورخ محافظه‌کار،

رابرت کاگان<sup>۳</sup> که کتاب اخیرش با عنوان «جنگل دوباره رشد می‌کند: آمریکا و جهان در مخاطره ما»<sup>۴</sup> بارها در طول مناقشه اوکراین، مورد استناد قرار گرفته، اظهار داشته که او نیز از «بازسازی و احیای» نظم لیبرال، تعجب کرده است. وی اضافه کرد که «در این مسئله، تصدیق مجدد و مهمی از درس‌هایی که در گذشته آموخته و فراموششان کرده‌ایم، نهفته است»؛ یکی از این درسها، عبارت است از اهمیت اتحاد. البته برای بسیاری، مهمترین تجربه و درس، یادآور نتیجه‌ای است که فرانکلین روزولت<sup>۵</sup> و هری ترومن<sup>۶</sup> در مورد جنگ جهانی دوم<sup>۷</sup> مطرح کردند؛ آمریکا نمی‌تواند به سمت انزوا گرای عقب‌نشینی کند و موفقیت و کامیابیش، وابسته به تلاش فعالانه برای برقراری صلح میان قدرت‌های بزرگ جهان است.

3. Robert Kagan  
4. The Jungle Grows Back: America and Our Imperiled World  
5. Franklin D. Roosevelt  
6. Harry S. Truman  
7. World War II

از این رو، نمونه پوتین بسیار عجیب و جالب توجه است. بسیاری از مردم، دیدگاهی مساعد و آرام‌بخش نسبت به جهان پسا آمریکا دارند، جهانی که تنها کارش، منطبق شدن با سایر مردمی است که دیدگاه‌های متفاوت دارند، پس اینکه نتیجه جنگ باشد، مسئله‌ای شوک‌آور برای مردم است». وی اضافه می‌کند: «لذا آنها باید تصورات قبلی خود را در مورد آنچه آمریکا لازم است تا انجام دهد، بازنگری کنند». باین حال، هر تلاشی برای بازسازی یک الگوی مداخله، باید تاریخ پریشان معاصر را مدنظر قرار دهد. «جنگ با تروریسم» پرهزینه که به دنبال حملات یازده سپتامبر ۲۰۱۱ آغاز شد، برایگیری کشور را تغییر داد و اعتماد جهانیان به مقصود و کارایی آمریکا را خدشه‌دار کرد. وندا فل‌باب براون<sup>۸</sup>، شاغل در مؤسسه بروکینگز<sup>۹</sup>، در طول یک مصاحبه از لیبی اظهار داشت که حمله به عراق علیرغم اعتراض‌های جهانی و همچنین، مشاهده جنگ‌های طولانی بدون دستیابی به هیچ

8. Vanda Felbab-Brown  
9. Brookings Institution

پیشرفت خاصی برای مردم آمریکا، بسیار سنگین است. وی گفت که «شما با یک حالت فرسودگی ناشی از مرگ، برای هیچ مواجه هستید، برای اینکه طالبان به قدرت بازگردند و سیاست‌های فاسد توسط ایران در عراق، به‌پیش برده شوند». بحران مالی سال ۲۰۰۸، آسیب دیگری به مسیر آمریکایی جهان وارد آورد. وال استریت<sup>۱</sup> و واشنگتن، نه مسکو و پکن، بدون پرداختن به موجی از نابرابری که به جهانیسازی پیوند خورده است، یک ویرانی اقتصادی ایجاد کردند. سپس، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، بر سرکار آمد، کسی که درماندگی و استیصال را به یک کمپین شکایت که نگاهش به درون کشور است، تبدیل کرد. در دیدگاه او، آمریکا به یک قربانی تبدیل شده است تا یک ذینفع از «نظم مبتنی بر قانون». ملت‌های اروپایی در نظر ترامپ، متحدان آمریکا نیستند، بلکه سربار هستند. درحالی‌که بایدن از آن زمان، مدعی شد که «آمریکا بازگشته است» اما اکثر جهانیان، همچنان سؤال می‌کنند، برای چه مدت؟

1. Wall Street  
 2. Donald J. Trump

نظرسنجیها به شکلی همسان از افول علاقه به امور بین‌المللی در میان آمریکایی‌ها و همچنین، کاهش ایمان و اعتماد آنها به توانایی دموکراسی، برای موفقیت حکایت دارند. اختلافات سیاسی به اندازه‌ای بالاگرفته‌اند که می‌توان آنها را با جنگ داخلی آمریکا<sup>۳</sup> مقایسه کرد. ایووالدر،<sup>۴</sup> رئیس شورای امور جهانی شیکاگو<sup>۵</sup> و نماینده آمریکا در ناتو، در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما<sup>۶</sup> اظهار داشته که «بزرگترین چالش برای نظام، مبانی داخلی قدرت آمریکا است. این کشور هنوز هم تنها قدرت نظامی جهان است، هنوز هم بزرگترین اقتصاد و تنها قدرتی است که سایر کشورها را متحد می‌کند. سؤال این است که آیا سیاست‌های داخلی به آمریکا، اجازه می‌دهد تا چنین نقش رهبری را ایفا کند؟» بعد از چهار سال از سیاست «اول آمریکا»<sup>۷</sup>، آقای ترامپ این‌گونه اظهار نظر کرد: «شکهای قابل توجهی»؛

3. Civil War  
 4. Ivo Daalder  
 5. Chicago Council on Global Affairs  
 6. Barack Obama  
 7. America First

مانند پوتین، رئیس‌جمهور شی، چیزی بیشتر از صرف شک دارد. ایان استوری،<sup>۸</sup> همکار ارشد مؤسسه یوسف ایشاک سنگاپور،<sup>۹</sup> این‌گونه اظهار داشته است که اتفاقات کنونی اوکراین، «حتی ذره‌های باورهای ایدئولوژیک شی را تغییر نخواهد داد». بر اساس دیدگاه آقای استوری، درحالی‌که مقاومت در برابر تهاجم، ممکن است محاسبات شی در مورد تایوان را تحت تأثیر قرار دهد، قدرتمندترین رهبر چین در طول دهه‌ها، این‌گونه باور دارد که «جهان غربی به رهبری آمریکا، در حال محو شدن بوده و آینده از آن استبداد است. درحالی‌که نظم لیبرال از اوکراین حمایت کرده، اما او این اتفاق را نشانه‌ای برای وقایع آتی می‌داند». بر این اساس، بسیاری معتقدند که سیاست‌های آمریکا، ابتدا باید اصلاح شوند. رهبران کشور باید ارزش مشارکت را تبیین کنند، همان‌گونه که روزولت این کار را قبل از جنگ جهانی دوم انجام داد تا نیروی تازه‌ای به دموکراسی آمریکایی

8. Ian Storey  
 9. ISEAS-Yusof Ishak Institute

## پرونده ویژه

باید در گارد مخصوص آن خدمت کنند». آقای کراکر از جمله افراد متعددی است که مرزها را در بدترین شرایط ترسیم کرد. او این‌گونه اظهار داشت که «اگر ما از اوکراین، این تجربه را کسب کنیم که یک ناتو یا یک اروپای متحد، می‌توانستند پوتین را شکست دهند، در آن صورت، گامی روبه جلو برداشتیم تا چالشهای پیش رو را از موضع اتحاد و به رهبری آمریکا، حل و فصل کنیم». او اضافه کرد که اگر روسیه بر بیشتر یا تمام خاک اوکراین مسلط

«جایی که آمریکا، احتمالاً در میانشان، اولین و یکی از آنهاست». مایکل فولیلوا، مدیر اجرایی مؤسسه لوی<sup>۲</sup> در سیدنی و نویسنده یک کتاب در مورد روزولت، چنین گروهبندی را به عنوان مجموعه‌ای توصیف می‌کند که در آن، کشورهایی مانند آلمان و استرالیا برای به عهده گرفتن نقش‌های بزرگتر، پیشقدم شده‌اند. او گفته است: «دینفغان نظم لیبرال بین‌المللی دریافته‌اند که

1. Michael Fullilove
2. Lowy Institute

و نهادهای مرتبط با نظم بین‌المللی بدهند که هنوز تغییر چشمگیری نداشته یا نتوانسته‌اند، توانایی خود را برای پرداختن به چالشهای چین و روسیه توسعه دهند. در سوی دیگر، سایر نظام‌های دموکراتیک نیز باید با پول، دفاع و گرد هم آوردن متحدان، مسئولیت بیشتری را در عرصه بین‌الملل عهده‌دار شوند. آقای دالدر، شرایطی را تصور می‌کند که در آن، ۱۲ یا ۱۳ نظام بزرگ دموکراسی رهبری را به اشتراک می‌گذارند،

